

انقلاب اکتبر و چشم انداز انقلاب آتی ایران

علی جوادی



صفحه ۲

مطلق و "زائده" مرد بود. سالمند را به گوشه ای پرتاب میکردند چرا که عمر مفیدش برای سرمایه و سود به پایان رسیده است. کودک بخشی از ابزار تولید بود. در شرایطی که شعله های آتش و خون جنگ جهانی اول سرمایه داران اروپا را در خود می بلعید، و احساسات جنگ طلبانه ناسیونالیستی تمام اروپا را فرا گرفته بود، و در شرایطی که تمام احزاب سیاسی به زیر پرچم سرمایه خودی

انقلاب اکتبر آنطور که بود
۸۶ سال پیش طبقه کارگر و حزب و رهبرانش انقلابی را به سرانجام رساندند که تاریخ تا آنزمان را به دو دوره قبل و بعد از اکتبر تقسیم کرد. قدرت سیاسی را از آن کارگر و زحمتکش کرد تا جهانی دیگر بنا نهند. در دنیای سرمایه معنای کارگر فقر و فلاکت و محرومیت و تیرگی بود. سهم زن از زندگی بی حقوقی

در تاریخ رویدادهایی وجود دارند که خود تاریخ را دو پاره میکنند. گذشته را از آینده جدا میکنند. آینده گویا دیگر امتداد خطی گذشته نیست. انقلاب کارگری اکتبر چنین جایگاه و نقشی در تاریخ تحولات اجتماعی بشریت دارد. انقلابی که برای اولین بار سرآغاز فنای طبقات متخاصم در جامعه بود. انقلابی که کارگر برای آزادی و رهایی خود جامعه و انسان را به سوی آزادی و خلاصی رهنمون کرد.

کمونیسم کارگری و جنبش آزادیخواهی زن

مصاحبه با آذر ماجدی درباره برگزاری سومین کنفرانس مدوسا



عرصه های معین اجتماعی و یا تجربه های شخصی به کنفرانس غنا و شور بسیاری داد و باین ترتیب کنفرانس با استقبال وسیعی از جانب

صفحه ۳

پیشروی این جنبش، تقابل آن با اسلام سیاسی و نقش و اهمیت سکولاریسم بعنوان یک پیش شرط مهم آزادی زنان در ایران و خاورمیانه پرداخت. سخنرانان از زوایای مختلف به این مسائل پرداختند و هر یک بر جنبه یا گوشه ای از مبحث تمرکز کرد. تنوع مباحث، پرداخته شدن به موضوع از نقطه نظرهای مختلف، تئوریک،

با موفقیت کامل طی روزهای ۳۱ اکتبر تا ۲ نوامبر برگزار شد. مباحث بسیار زنده و جالب بود. روز اول کنفرانس به زبان انگلیسی و سوئدی بود و دو روز دیگر به زبان فارسی با دو سخنرانی به زبان کردی. کنفرانس به بررسی موقعیت جنبش آزادی خواهی زنان در ایران و عراق، نقش و تاثیر جنبش کمونیسم کارگری بر

هفتگی: سومین کنفرانس مدوسا با سخنرانی تعداد زیادی از شخصیتهای جنبش آزادیخواهی زنان و فعالین جنبش کمونیسم کارگری بعد از سه روز به پایان رسید. ارزیابی شما از برگزاری کنفرانس و مباحث آن چیست و جوهر پیام این کنفرانس را چه میدانید؟
آذر ماجدی: سومین کنفرانس مدوسا



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax:0044-870 120 7768

۱۸۵

۱۶ آبان ۱۳۸۲

۷ نوامبر ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

در این گفته شیرین عبادی حقیقتی نهفته است

رحمان حسین زاده



"اصلاح طلبی دولتی" نبود. این پدیده در بطن خود راه را برای شکل گیری "اصلاح طلبی" محدود و مجاز غیر دولتی هم فراهم کرد. "اصلاح طلبی" دولتی تحت نام دوم خرداد علی‌رغم حمایت خیل وسیعی از اپوزیسیون ملی اسلامی مجاز و غیر مجاز

صفحه ۴

از شیرین عبادی نقل شده است که "خاتمی را مناسبتر از خود برای دریافت جایزه نوبل میدانم". این گفته، مجیزگویان دیروز خاتمی و امروز عبادی و بعضی بدرقه کنندگان و استقبال کنندگان در فرودگاه از خانم عبادی را رنجانده و دسته گلپاشان را پس میگیرند.

به نظر من در پس این گفته حقیقتی نهفته است. شیرین عبادی با "خلوص و صداقت" اسلامی به این واقعیت اشاره دارد، که بدون عروج و افول "پدیده خاتمی" موقعیت امروزشان و اختصاص جایزه نوبل به وی قابل توضیح نبود.

پدیده خاتمی و "اصلاح طلبان غیر دولتی" حاصل انتخاب خاتمی به عنوان سویاپ اطمینان بقای رژیم اسلامی تنها جنبش و تحرکی تحت نام

کمپین اعتراضی علیه بیانیه نوبل، نتایج و دستاوردها

صفحه ۳

کارگران در دو هفته اخیر

صفحه ۴

از "ایران اسلامی"

تا خطر سکولاریسم! صفحه ۴

شماره تلفن های تماس برای شرکت در

کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران

انگلستان: ۰۰۴۴-۷۸۱ ۵۹۰ ۲۲۳۷

آلمان: ۰۰۴۹-۱۷۹ ۹۶۷ ۷۸۰۱-۲

سوئد: ۰۷۳ ۹۸۶ ۸۰۵۱

فنلاند: ۰۵۰ ۳۵ ۷۳ ۵۶۴

نروژ: ۰۰۴۷۹۲۰ ۶۲۵۴۱

انترناسیونال هفتگی ضمیمه ۱۸۵ حاوی

نظرات اعضای کمیته مرکزی حزب

درباره کنگره چهارم منتشر شد.

آزادی برابری حکومت کارگری

از صفحه ۱

انقلاب اکتبر ...

بسیج شده بودند، کارگران به گرد پرچم بلشویکیها متشکل شدند. حزبی کمونیستی در راس اعتراضات جامعه، پرچم "نه مردم شد. در راه حل در مقابل جامعه قرار داشت. یا دیکتاتوری خشن سرمایه یا انقلاب کارگری و آزادی. مردم راه حل کارگری را انتخاب کردند. بلشویکها در شب هفت نوامبر، همزمان با برگزاری کنسره دوم نمایندگان شوراهای کارگران و سربازان و دهقانان، فرمان قیام را صادر کردند. در پتروگراد بدون خونریزی و در مسکو و سایر شهرها پس از چند هفته کشمکش از دولت سرمایه و جنگ خلع ید شد. انقلاب اکتبر به شمر نشست. انقلاب اکتبر یک انقلاب کارگری با مضمون عمیق انترناسیونالیستی و انسانی بود. انقلابی بود که کمونیسم کارگری را به نقطه امید میلیونها کارگر و زحمتکش در جهان تبدیل کرد. انقلابی بود که هر زمان و در هر گوشه ای که انسانی به آزادی و رهایی اقتصادی و سیاسی اندیشیده است، آن را دنبال کرده و نسبت به دقایقش خیره شده است. با انقلاب اکتبر تمدن انسانی بر توحش سرمایه پیروز شد. بشریت نمایندگی شد.

انقلاب اکتبر تمامی زمینه های زندگی مردم را تحت تاثیر درگون کننده خود قرار داد. قانون اساسی حکومت شوراهای اعلام میکنند که هدف قدرت برخاسته از انقلاب: "امحای استعمار انسان بوسیله انسان و استقرار سوسیالیسم را، که در آن نه تقسیم جامعه به طبقات وجود دارد و نه قدرت دولتی، مد نظر دارد." حکومت شوراهای اعلام میکنند که هدفش نابودی استعمار انسان از انسان و ایجاد جامعه ای بدون طبقات متخاصم است. جامعه ای بدون کارگر و بورژوا. جامعه ای که آزادی انسان مبنای تلاش آن است. دولت شوراهای برای اولین بار در تاریخ بشر، حقوق کامل شهروندی را به کلیه افراد ساکن جامعه مستقل از نژاد و جنسیت و باورهای عقیدتی اعطاء کرد. کلیه قوانین ارتجاعی ضد زن را لغو کرد. و به مقابله با پایه های اقتصادی و اجتماعی نابرابری زن و مرد در جامعه رفت. در همان زمان در آمریکا زنان حتی از حق رای محروم بودند. ازدواج سیاه و سفید جرم بود. دولت شوراهای دست مذهب را از دولت و آموزش و پرورش جدا کرد. دولت شوراهای برای اولین بار در تاریخ شرایط و امکان واقعی آزادی قلم و بیان و تجمع را برای مردم زحمتکش فراهم میکند. در جوامع دمکراسی غربی، آزادی مطبوعات و قلم موجود است اما حق و امکان استفاده از حق در واقعیت متفاوتند. میزان بهره برداری از آزادی را به حجم کیف پول و تعداد رقمهای حساب بانکی گره زده اند. اکتبر یک حکومت شورایی را پایه گذاری کرد. نشان داد که حکومت کردن مختص متخصصین و کارشناسان و ولا نیست.

داری دولتی خشن نشست. طبقه کارگر شکست خورد. و طبقه کارگر شکست خورده را بورژوازی نوظهور به مسلخ برد. انقلاب اکتبر نهایتاً شکست خورد اما تاثیراتش دیر پا بود. و این خصلت حرکت و اعتراض و قیام و انقلاب کارگری است. پیشروی کارگر منشاء تغییر و بهبود و ترقی و تحول است. در مقابل، پیشروی اردوی سرمایه منشاء استعمار و تحجر و ممانعت از برخورداری مردم از یک زندگی انسانی. انقلاب اکتبر شکست خورد. اما هم کسانیکه به اسم انقلاب اکتبر و بر متن شکست اکتبر بر مردم حکومت کردند و هم دشمنان تاریخی اکتبر در سوسیالیستی قلمداد کردن حکومت شوروی لحظه ای تردید بخود راه ندادند. یکی عظمت اکتبر را سرمایه ساختمان دولت قدرتمند جهانی از نوع سرمایه داری کرد و دیگری آنچه را که شکست خورده بود را سوسیالیسم می نامید تا هر چه سوسیالیستی و کارگری است را در هر گوشه ای به نابودی بکشانند. انقلاب اکتبر بر سر حرمت و آزادی انسان در جامعه بود. با شکستش یک ابهام بزرگ، یک علامت سوال بزرگ بالای سر انسان و جامعه بشری قرار گرفت. انقلاب اکتبر شکست خورد اما اگر اکتبر را از صفحه تاریخ حذف کنیم معلوم نیست بر سر ساعت کار هفتگی در اروپا چه می آمد؟ زن از چه حقوقی در سطح جهان برخوردار میشود؟ چه تعداد کثیری از زنان باید سالهای سال در چنگال عقب مانده ترین رسومات و قوانین ضد زن به اسارت گرفته میشدند؟ معلوم نبود بر سر حق مسکن، آموزش رایگان، بیمه بیکاری چه می آمد؟ چه تعداد دیگری کودک با خرافات مذهبی به دنیا می آمدند و از دنیا می رفتند؟

روایت بورژوازی از اکتبر

میگویند تاریخ را فاتحان و طبقات حاکم مینویسند. تاریخ انقلاب اکتبر اما تاکنون چند بار نگاشته شده است. آنچه امروز ذهنیت "عموم" را شکل میدهد همان نیست که روی داد. این تفاوت البته ناشی از کم حافظگی تاریخی جامعه نیست. ناشی از بازنویسی تاریخ است. لنین و تروتسکی و کولنتای و دیگر رهبران بلشویک در زمان خود انسانهای آزاده بزرگی بودند. لنین متفکر برجسته و یک غول فکری و سازمانده اولین انقلاب کارگری عظیم جهان بود. اما در دوران پایان جنگ سرد لنین یک دیکتاتور و توتالیتر است که حکومت ترور و وحشت را در گوشه ای از جهان بر مردم سوار کرد. استالین امتداد لنین است. جنایت استالین بیان عملی عملکرد مارکسیسم است. بلشویسم نطفه خفگان و سرکوب را در خود داشت، و غیره و غیره. در این تصاویر و روایت از اکتبر انقلاب کارگری یعنی خشنوت، افراط، اسارت و بی حقوقی اجتماعی. در این تصاویر حکومت دیکتاتوری استالین و سیستم سرمایه داری دولتی

کمک های مالی رسیده به تلویزیون (۷)

محمد خضری ۳۰۰۰ کرون	۱) واحد حزب در یوتوبوری ۲۰۰۰۰ کرون
محمد و افسانه علی نیا ۳۹۰۰ کرون	۱۴) رسول بنواید ۵۰۰۰ کرون
صابر نوری ۵۰۰۰ کرون	۱۵) فریده آرمان ۱۰۰۰۰ کرون
جمیل فرزاد ۵۰۰۰ کرون	۱۶) بهنام ارانی و پرشننگ بهرامی ۵۰۰۰ کرون
حسن قادری ۱۰۰۰ کرون	۱۷) محمود محمدزاده ۲۰۰۰ کرون
جمال پیرخضران ۱۰۰۰ کرون	۱۸) آذر پویا ۵۰۰۰ کرون
فعالین فدراسیون در یوتوبوری ۵۰۰۰ کرون	۱۹) احمد شه ندر ۵۰۰ کرون
رزگار رضائی و آناهیتا ناصری ۱۰۰۰۰ کرون	۲۰) زیبا اسدی ۵۰۰ کرون
واحد حزب در لینشوپینگ ۱۰۰۰۰ کرون	۲۱) عبدالجلیل زیدی ۱۰۰۰ کرون
واحد حزب در لینشوپینگ ۱۰۰۰۰ کرون	۲۲) واحد حزب در مالمو ۲۰۰۰۰ کرون
حبیب الله مرادی ۵۰۰۰ کرون	۲۳) صمد شیرازی ۱۰۰۰ کرون
نسرین شیرزاد ۳۰۰۰ کرون	کل مبلغ جمع آوری شده: ۵۳۴۵۰ پوند
احمد گنجی ۱۰۰۰ کرون	مانده ۳۶۵۰ پوند

گرفته است. بار دیگر حزبی از نوع حزب بلشویک، حتی قدرتمندتر، کمونیستی و کارگری، در حال پیشروی و حاضر در صحنه بر سر سرنوشت قدرت سیاسی است. بار دیگر مساله سرنوشت بهبود و تغییر در زندگی مادی انسانها به مساله تصرف قدرت سیاسی و به سرانجام رساندن انقلابی دیگر گره خورده است. اما آنچه که زمینه ساز شکست انقلاب اکتبر شد اینبار اندوخته اردوگاه کارگر و کمونیسم برای پیروزی است. اگر ناروشنی در اهداف اقتصادی در نهایت تلاش عظیم کارگر را به شکست کشاند این بار روشن بینی و تمایز طبقاتی در تمامی ابعاد، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی توشه ما برای پیروزی است. ما زمین خوردیم. اما در عین حال از زمین نیز نیرو گرفتیم. اگر در انقلاب اکتبر دو طبقه اجتماعی در تمامی عرصه های مبارزه طبقاتی از هم تماما متفک شده بودند، اما در انقلاب آتی ایران کارگر و حزبی، بورژوازی و احزابش، از اکنون و در صف رو در رو و کاملاً متمایز را تشکیل میدهند. تمام بورژوازی خودش را در مقابل کمونیسم و کارگر تعریف میکند.

اگر در دهه ۳۰ قرن گذشته طبقه و جنبش ما برای آزادی و سوسیالیسم شکست خورد، این بار در سالهای اول قرن بیست و یکم این امکان در برابر جامعه ای قرار گرفته که خود را از قید و بند مناسبات طبقاتی و سرمایه و به همراه آن از شر تمامی مصائب ناشی از این نظام خلاص کند. آنچه امروز در ایران در حال شکل گیری است میتواند طلایه اولین انقلاب کارگری قرن بیست و یکم باشد. انقلاب اکتبر مرد، زنده باد انقلاب کارگری ایران. *

طول موج جدید رادیو انترناسیونال

۴۱ متر ردیف ۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

از صفحه ۱ مصاحبه با آذر ماجدی

شرکت کنندگان روبرو شد. اغلب سخنرانان نقش جنبش کمونیسم کارگری در پیشبرد امر آزادی و برابری زنان را مورد بررسی قرار دادند و بر نقش منصور حکمت در پی ریزی و تبیین مختصات و نظرگاه های این جنبش تاکید کردند. بطور مثال ینار محمد، از بنیانگذاران سازمان آزادی زن در عراق درباره موقعیت اسفناک زنان در عراق پس از حمله آمریکا و مبارزه ای که کمونیسم کارگری برای تغییر این شرایط و در دفاع از حقوق زنان به پیش میبرد، صحبت کرد. مینا احدی نگاهی انداخت به مبارزه ای که جنبش ما در دهه اخیر در خارج کشور برای خنثی کردن تصویر دروغینی که بر رسانه ها و افکار عمومی در رابطه با جنبش دفاع از حقوق زنان در ایران جاری است، و به این نکته اشاره کرد که کمونیسم کارگری موفق شده است این تصویر را کاملاً تغییر دهد و به پرچم دار جنبش آزادیخواهی زنان بدل شود. مینا بر نقش تعیین کننده منصور حکمت در این عرصه تاکید گذاشت. اصغر کریمی درباره نقش حزب کمونیست کارگری در مبارزه برای دفاع از حقوق زنان و پیشرفت ها و دستاوردهای کمونیسم کارگری در این زمینه صحبت کرد. خود من درباره ظرفیت و پتانسیل جنبش آزادیخواهی زنان در ایران برای تبدیل شدن به یک جنبش مهم تاریخساز اجتماعی و آزادیخواهانه صحبت کردم و گفتم این مساله از آرزو امکانپذیر شده که کمونیسم کارگری بطور فعال در این جنبش دخیل است و به سخنگو و رهبر بخش رادیکال آن بدل گشته است. همچنین درباره نقش منصور حکمت در این رابطه و در متحول کردن جنبش چپ و نظرات حاکم در آن در رابطه با جنبش آزادیخواهی زنان اشاره کردم. و گفتم که به یمن این تحول یکبار دیگر پس از انقلاب اکتبر کمونیسم با جنبش آزادیخواهی زنان پیوندی مستحکم یافته است. سخنرانان دیگر درباره تجارب عملی کار خود، موانعی که با آن روبرو بوده اند و نقش جنبش ما در تغییر نظرگاه ها و تصاویر حاکم در جامعه اشاره کردند. این کنفرانس در ضمن مکان تبادل تجارب فعالین عملی و درگیر در یک جنبش اجتماعی زنده و پویا نیز بود. بنظر من میتوان این کنفرانس را بعنوان اولین کنگره کمونیسم کارگری و آزادی زن نیز نامید.

شفاغیت و روشنی مباحث، درگیر بودن کلیه سخنرانان در یک مبارزه عملی و اجتماعی زنده، بیان تجارب دست اول شخصی و فعالیت عملی که کنفرانس غنای ویژه ای داد. کنفرانس سه قطعهنامه نیز تصویب کرد. یکی در رابطه با لزوم تشدید مبارزه علیه اسلام سیاسی، و دفاع از حقوق زنان و همچنین تاکید بر سکولاریسم بعنوان پیش شرط آزادی زن، دوم قطعهنامه ای در اعلام حمایت از و همبستگی با سازمان آزادی زن عراق و

هفتگی: انعکاس کنفرانس در میان شرکت کنندگان و در رسانه ها چگونه بود، چه برنامه ای برای منعکس کردن مباحث کنفرانس در دستور دارید؟

آذر ماجدی: کنفرانس با استقبال گرم شرکت کنندگان روبرو شد. شرکت کنندگان با علاقه سه روز بحث و سخنان بیش از ۲۰ سخنران را دنبال کردند و در بخش پرسش و پاسخ که هر روز پس از پایان سخنرانی ها برگزار میشد مشتاق شرکت کردند. یکی از مباحث داغ مورد بحث در این بخش مبحث پوشیدن برقع و حجاب در مدارس و محیط های کار بود که به یک بحث داغ در سوئد و تا حدودی در آلمان بدل شده است. سخنرانان و شرکت کنندگان با حرارت در این مبحث شرکت کردند و اگر وقت اجازه میداد چندین ساعت به بحث حول آن میپرداختند. ما این مبحث را در میزگردی در نشریه آزادی زن دنبال خواهیم کرد. کلا فضای حاکم بر کنفرانس فضایی زنده، پر شور، راحت و صمیمی بود. همه علاقمند شنیدن بحث ها و شرکت در مباحث بودند. این کنفرانس احساس غرور و افتخار زانداوصفی در میان فعالین کمونیسم کارگری و جنبش آزادیخواهی زنان که در این کنفرانس جمع شده بودند بوجود آورد.

کنفرانس چه قبل و چه در طول کنفرانس بخوبی در رسانه ها منعکس شد. بطور نمونه قبل از کنفرانس دو رادیوی سوئد با سارا محمد و اعظم کم گوین، رادیو پژواک، تلویزیون رنگارنگ، رادیو انترناسیونال، رادیو همبستگی مالمو، و رادیو صدای مردم استکهلم با من مصاحبه کردند، طی کنفرانس یک کانال تلویزیونی سوئد ضمن پیش بخشی از کنفرانس با ینار محمد مصاحبه کرد. رادیوی سراسری سوئد به زبان انگلیسی با تعدادی از سخنرانان از جمله ینار محمد، مینا احدی، سهیلا

کمپین اعتراضی علیه بیانیه نوبل، نتایج و دستاوردها

مهرنوش موسوی



بواسطه تقسیم اسلام به "خوب و بد" می ایستیم. اعلام کردیم که خشونت بر علیه زن و پایمال کردن حقوق مردم ریشه در نفس حاکمیت اسلامی دارد و سرسوزنی در مبارزه برای احقاق حقوق مردم به اسلام سیاسی و دشمنانش نه تخفیف میدهیم و نه میگذاریم که تخفیف بدهند. مردم زیر این پرچم را در این شرایط امضا گذاشتند. این یک موفقیت بزرگ است.

جریان دوم خرداد حکومت به این کمپین عکس العمل نشان داد، علاوه بر ارسال نامه های شخصی که ما را به خاطر ایستادگی در مقابل سیاستهای شیرین عبادی و کمیته نوبل و زد و بند اخیرشان "فاحشه سیاسی" نامیده و تهدید میکردند، سایت رویداد از جبهه مشارکت نیز با انتشار اطلاعیه خبری عنوان کرده بود که "براندازان و ضد اصلاحات متحد شده اند" که ما آن را افشاء کرده و تاکید کردیم که کشیدن پای جریان ما در دعوای جناحی یک حکومت، فقط نشانگر این است که بالای ما به روزی افتاده که مجبورشان کرده ایم که چند و چون موقعیت خود را، هر دو جناحشان را، اکنون در رابطه با اقتدار پایین و با جنبش و مبارزه ما و مردم بستنند. ما هم این نامه ها و هم مطالب له و علیه این کمپین را در کتابی منتشر میکنیم.

اقدام دیگر ما، همانطور که به مردم قول داده بودیم، بردن طومار به اسلو و ملاقات حضوری با مدیر موسسه نوبل بود. این اقدام در حالی صورت گرفت که از میان جریانات اپوزیسیونی ستنی چپ، ناسیونالیستها و قوم پرستان، عده ای برای دستیابی از انتخاب "بانوی صلح و مسلمان ایران" به دیدار آنها رفته گلهایشان را تقدیم و با شادی و سرور به اقرار رسمی خودشان آهنگ "شیرین شیرین" خوانده بودند. داریوش نیکنام، مرسد قانلی، ملکه عزتی و ناهید پرتوی به نمایندگی از این کمپین به دیدار مدیر موسسه نوبل رفته و اعتراض مردم را شفاهاً به آنها اعلام کردند. مدیر نوبل گفته بود که از وجود این اعتراض مطلع است و به آن احترام میگذارد. این اقدام باعث شد که حتی طرفداران این جریانات در خود اسلو و در پیشاپیش مردم در میزگرد رادیویی به اشتباه خود

زیر این کمپین را در حالی مردم امضا گذاشتند که یک ضد حمله وسیع، بین المللی، متحد و منسجم علیه مبارزه و انقلاب آتی مردم ایران به پیش برده میشد. از رسانه های بین المللی تا پاپ، بوش و کاولین پاول، از صدر اعظم آلمان تا روسای اتحادیه اروپا و حتی از سوی اپوزیسیونی ایران از رضا پهلوی تا بنی صلر، منتظرانی تا مجاهد، راه کارگر تا دمکرات و زحمتکشان، جمهوری خواه، توده ای و اکثریت با این کاروان همراه شدند، سر از پا نشناختند. ما در چنین شرایطی و با تکیه به سیاست اصولی و منحصر بفر، حقیقت جویانه و سازش ناپذیر حزب کمونیست کارگری و در پرتو آن یک کمپین خلاف جریان راه انداختیم. این کمپینی علیه اعدام نبود که قاعدتاً زیر آن همگی امضا میگذارند، این کمپینی بود که امضای هر یک نفری که زیر آن قرار میگرفت، مقابله با خیل امضاها و دسته گلهای و تیریکهایی بود که در صف مقابل به شیرین عبادی و نوبل داده میشد. در نامه سرگشاده اعتراضی ما اعلام کردیم که جلو هر گونه تلاش ریاکارانه برای نجات حکومت اسلامی

شرفی و خود من مصاحبه کرد. نشریه ویک اند اوین دانمارک، رادیو انترناسیونال، تلویزیون یک دنیای بهتر و تلویزیون رنگارنگ نیز با من مصاحبه کردند و یک فیلم گزارش از کنفرانس نیز ریاکارانه برای نجات حکومت اسلامی شرفی و خود من مصاحبه کرد. نشریه ویک اند اوین دانمارک، رادیو انترناسیونال، تلویزیون یک دنیای بهتر و تلویزیون رنگارنگ نیز با من مصاحبه کردند و یک فیلم گزارش از کنفرانس نیز در تلویزیون یک دنیای بهتر پخش شد.

شروع کار تلویزیون سازمان آزادی زن گزیده ای از سخنرانی ها از تلویزیون برای مردم در ایران و در خارج کشور پخش خواهد شد. ضمناً شماره بعدی مدوسا به چاپ سخنرانی ها و مصوبات تقاضا میکنم که از طریق تماس با من و مینا احدی برای چاپ و انتشار فوری این کتاب تاریخی کمک کنند. آدرس ایمیل من و مینا احدی این است: minaahadi@aol.com mehrnousch@aol.com

شروع کار تلویزیون سازمان آزادی زن گزیده ای از سخنرانی ها از تلویزیون برای مردم در ایران و در خارج کشور پخش خواهد شد. ضمناً شماره بعدی مدوسا به چاپ سخنرانی ها و مصوبات تقاضا میکنم که از طریق تماس با من و مینا احدی برای چاپ و انتشار فوری این کتاب تاریخی کمک کنند. آدرس ایمیل من و مینا احدی این است: *

کارگران در دو هفته اخیر

شهلا دانشفر

از "ایران اسلامی" تا خطر سکولاریسم!

سیاوش دانشور



مسلود کردند. همچنین روز ۱۰ آبانماه جمعی از کارگران اخراجی شرکت تهران قفل واقع در شهرستان ساوجبلاغ با تجمع در مقابل اداره کار این شهرستان در اعتراض به اخراج خود دست به تجمع زدند. کارگران هر روزه در مقابل اداره کار تجمع کرده و خواهان بازگشت به کار هستند.

کارگران خواهان پرداخت فوری دستمزدهای پرداخت نشده خود هستند

مبارزه علیه دستمزدهای پرداخت نشده یک موضوع دیگر اعتراض در دو هفته اخیر بود. مهمترین آن گسترش اعتراضات کارگران در کاشان بود. در ادامه ارسال طومار اعتراضی ۲۰۰۰ کارگر نساجی های کاشان به خاتمی و اظهار به وی در اوائل آبان، روز ۱۴ آبانماه ۳۰۰ نفر از کارگران کارخانجات ریسندگی و بافندگی شماره ۱، ۲، ۳، کاشان در اعتراض به تاخیر ۹ ماهه دستمزدهایشان در برابر کارخانه تجمع کردند. کارگران پلاکاره در دست گرفته و شعار میدادند. نیروهای انتظامی که به محل اعزام شده بودند به کارگران حمله ور شدند و تجمع کارگران به درگیری کشیده شد و کارگران در برابر حملات نیروهای انتظامی مقاومت کردند و درگیری دو ساعت ادامه یافت.

همچنین، روز ۱۴ آبانماه کارگران کارخانه نختاب فیروزان در تبریز در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود دست به جمعی اعتراضی زدند. نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی به محل تجمع کارگران گسیل شده و با حمله به کارگران درگیری آغاز شد و کارگران به مقاومت پرداختند. ۲۰ تن از کارگران در این شب در کارخانه بسر بردند.

روز ۱۰ آبانماه کارگران سامیکو صنعت همدان نیز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان از آغاز سال جاری و تعطیلی کارخانه و بلاتکلیفی خود دست به جمعی اعتراضی زدند.

خواست افزایش دستمزدها
خواست فوری کارگران است

یک موضوع دیگر اعتراض در دو هفته

دو هفته اخیر اعتراض علیه بیکارسازیها، دستمزدهای معوقه و خواست افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار محورهای اصلی اعتراض کارگران را تشکیل میداد.

کارگران پتروشیمی در راس مبارزه علیه بیکارسازیها

مهمترین حرکات اعتراضی در دو هفته اخیر اعتراضات کارگران پتروشیمی در اراک، اصفهان و خارك علیه بیکارسازیها بود. این اعتراضات به میان کارگران نفت بعنوان يك بخش کلیدی در مبارزات کارگران در ایران و در اقتصاد جامعه کشیده شد. این اعتراضات از نامه رئیس پتروشیمی و اعلام انتقال این شرکت به بخش خصوصی شروع شد. روز ۵ آبانماه کارگران و کارکنان کارخانه پتروشیمی اراک در اعتراض به خطر بیکارسازی و نامه رئیس پتروشیمی مبنی بر انتقال شرکتهای پتروشیمی اراک، اصفهان و خارك به بخش خصوصی در سالن آمفی تاتر کارخانه دست به تجمع زدند. کارگران میگفتند که آنها ابزار نیستند که بهرماره ماشین به فروش گذاشته شوند. این اعتراضات به پتروشیمی اصفهان و خارك نیز کشیده شد و در روز ۱۰ آبانماه کارگران پتروشیمی اصفهان دست به اعتصاب زدند. بدنبال اعتصابات و اعتراضات کارگران و کارکنان سه مجتمع پتروشیمی اراک، اصفهان و خارك روز ۱۳ آبانماه مدیریت این شرکت از تصمیم خود مبنی بر انتقال کارگران به بخش خصوصی عقب نشست. در این روز بخشیان رئیس سازمان امور اداری پتروشیمی طی نامه ای اعلام کرد که کارکنان پتروشیمی به بخش خصوصی منتقل نخواهند شد. اما اعتراضات کارگران همچنان ادامه یافت. در مجتمع پتروشیمی اراک روز چهارشنبه ۱۴ آبان ماه کارگران و کارکنان در سالن آمفی تاتر تجمع کردند و سخنرانان مختلف بر لغو کامل تصمیم وزارت نفت تاکید کردند. اعتراض در شرکتهای پتروشیمی ادامه دارد و تا همینجا کارگران توانسته اند عقب نشینی هایی را به دولت تحمیل کنند.

حرکت یکپارچه کارگران پتروشیمی رژیم را در اجرای بیکارسازیها تحت عنوان اصلاح ساختار صنعت نفت که از سال ۷۷ در دستور قرار گرفته است با مشکل جدی روبرو ساخته است. از نمونه های دیگر اعتراض علیه بیکارسازیها در دو هفته اخیر حرکت اعتراضی کارگران شرکت ابریشم گیلان و کارگران تهران قفل بود. روز ۶ آبانماه ۳۰۰ نفر از کارگران شرکت ابریشم گیلان در اعتراض به اخراج از کار خود بهرماره خانواده هایشان در مقابل درب اصلی کارخانه تجمع کرده و خواهان بازگشت به کار و اخراج مدیریت شدند. در این حرکت اعتراضی کارگران جاده آستارا به رشت را



خاتمی در دیدارش با جبهه مشارکت اسلامی در باره "خطر سکولاریسم" هشدار داد. اعضای حزب اخوی فورا رفع مسئولیت کرد و گسترش تمایلات سکولار در جامعه را به گردن سیاستهای اسلام طالبانی جناح مقابل انداخت. رجبعلی مزروعی میگوید "اگر فریاد جمهوری اسلامی خواهی اصلاح طلبان درست درك نشود روند اوضاع به گونه ای رقم خواهد خورد که محافظه کاران فکرش را هم نمیتوانند بکنند". چه ذکاوتی! ایشان راست میگویند، اما مشکل اینست که فریاد جمهوری اسلامی خواهی مردم بلندتر است. هر دو جناح رژیم دارند میگویند خطر سکولاریسم نظام را تهدید میکند و در این میان از جنایتکاری مانند بوش تا شیرین عبادی از عدم تناقض اسلام و حقوق بشر سخن میگویند.

حتی طرح صورت مسئله بشکلی که خاتمی و دیگران میگویند، اثبات چند حکم پایه ای و قدیمی ما را تاکید میکند:

۱- پایان دوره ای که شعارها و شخصیتهای گذرا با اسم رمزهای مختلف صحنه سیاست را اشغال میکنند و شروع دوره ای که صفتبندیهای کلاسیک تر با سوالات و مسائل واقعی خود را دیکته میکنند.

۲- کل رژیم اسلامی از هر دور جدال جناحهای آن ضعیف تر بیرون می آید و دامنه مانور سیاسی برای کل حکومت محدودتر و مشروط تر میشود.

۳- ایران کشوری اسلامی نیست و بیش از دو دهه سرکوب خونین اسلامی نتوانسته رنگ اسلامی به جامعه ایران بزند.

۴- ورشکستگی سیاسی جریانات اپوزیسیون از راست محافظه کار تا جمهوریخواه و پرو سویت سابق که بیشتر از هر آخوند و سقط الاسلامی تلاش کردند که خرج و سفره اسلام را از

دولتی وافول و شکست آن شرایط به بازی گرفتن این پدیده و شخصیتی چون شیرین عبادی را فراهم کرده است. در هر دو حالت شیرین عبادی موقعیت امروز خود را مدیون پدیده دوم خرداد و خاتمی میدانند. بویژه که جریان ملی اسلامی دولتی و غیر دولتی از یک بستر و از یک خانواده با افق و آرمان مشترک هم هستند. اینجاست عبادی با "صدافت" اسلامیش اذعان میکند که خاتمی با طی کردن "مشکلات و موانع" زیاد مناسبتر از وی برای گرفتن جایزه صلح نوبل بوده است.

دول اروپایی که به خاتمی و دوم خرداد امید بسته بودند، امروز ناامید از آنها و آلترناتیو بورژوازی راست، به ملی

زیر عباي خاتمی جمع شدند و امروز به دور شیرین عبادی میچرخند، دیگر نمیتواند سد کننده انقلابی باشد که در ایران وزین گرفته است. بر عکس روند اوضاع سیاسی درس جدید و به مراتب تلخ تری به آنها خواهد داد. دوران بند و بستها و تغییرات از بالا و حذف مردم به سر آمده است. مردم به میدان آمده اند و کمونیسم کارگری پرچم سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه آزاد و برابر را به دست گرفته است. *

اسلامیهای خارج از حکومت روی آورده اند. شخصیت سازی و آلترناتیو سازی میکنند، تا به زعم خود بدیلی برای کنترل اوضاع در فرای تحولات عمیق سیاسی ایران داشته باشند. تا از عروج آلترناتیو چپ و کمونیستی و ایجاد حاکمیت شورایی مردم جلوگیری کنند. تلاش دول غربی و کمیته صلح نوبل و صف بستن همان شخصیتها و نیروهای ملی اسلامی اپوزیسیون مجاز و غیر مجاز جمهوری اسلامی که روزی

از صفحہ ۱

در این گفته شیرین عبادی ...

جمهوری اسلامی و جماعتی از صنف نویسندگان و شعراي توجیه گر و یا رسما مجیزگوی رژیم، در بطن تناقضات جنگ جناحها و زیر فشار رادیکالیسم جامعه و به همت نیرویی مثل حزب کمونیست کارگری به پایان خط رسید. در نتیجه به زعم بعضیها نوبت ابراز وجود "اصلاح طلبی" غیر دولتی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی است.

عروج دوم خرداد و خاتمی به همراه خود شرایط پیدایش "اصلاح طلبی" غیر

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!